

محمد اقبال بابا

پی۔ ایچ۔ ڈی سکالر شعبہ فارسی

کشمیر یونیورسٹی

حضرت شیخ یعقوب صرفی^۱ و خمسہ اودر نظر تذکرہ نویسیان

خدایا مسلم خدائی تراست خداوندی هردو عالم تراست ۱

تپش می کنند زنده تر زندگی را تپش می دهد بال و پر زندگی را ۲

سرزمین کشمیر از دیر باز گهواره شاعران، عالمان، هنرمندان و عارفان بوده است و انسانهای رازده است که بعداً نه فقط سرزمین کشمیر را منسور ساختند بلکه در سراسر جهان معروف گشتند و چراغ علم را در سراسر گیتی افروختند۔ اصلاً کشمیر خطه ای است که مشاهد را به راه حیرت می اندازد۔ سره های گذشت و این جاز بیت و جالبیت این سر زمین با هر صبح نو دمیده بارنگ دیگر و باکش تازه جلوه نمائی می کنند، هر پینده با دید مخصوص این سرزمین بی مثل را نظاره می کنند۔ در تو صف این زمین بی نظیری گویند۔

هر سوخته جانی که به کشمیر در آید گرم مرغ کباب است با بال و پر آید ۳

پیرهن گل تن گل عارض گل لب دلدار گل باغبان صنع بسته دسته این چهار گل
پیکر ساقی سراپا گوئی از گل شناختند دست گل پاگل بدن گل چهره گل رخسار گل ۴

مقام خوب رویا آن زمین است بخوبی رشک فردوس برین است
اصلاً شاعری در نغمه ریزیهای رودها و چشمه سارهای کشمیر آواز دلش می شنود، عاشقی در

جگر خون رنگ لاله داغ جرائی رامی یابد، محبوبی چون مدای بلبل می شنود بصورت گل و
 نرگس راههای دوست را با چشمهای پُر انتظار بوسه می دهد - چون عارف مستی به سبزه
 زارهای وسیع و هموار و شگوفه ها و گلکهای رنگارنگ و جو پاره های خوب و کوه های سبز پوش
 و فلک بوس و باد رُوح بخش و نغمه ریزیهای طیور و پرندگان چشم و گوش بازمی کند - بی
 ساخته بر زبانش جاری می شود که "ما خلقت هذا باطلا" این طلسم خیزیهای و در با بهای
 کشمیر به هر مشاهدی بخوا هوش او سرمایه پیشبها فراهم می آورد - به این علت کشمیر در
 مهد خویش مفکران و محققان و شاعران و عاشقان را پرورش خاص کرد تفتگی هر جوینده را
 رفع کرد - خالق این کاینات بی حد و حساب این قلمرو حسن و جمال را بانوازش خود هم
 مزین ساخت -

الغرض این سرزمین در خیز در سال ۹۳۸ هـ مطابق ۱۵۶۱ میلادی یک
 بچه ای را پیدا کرد که بعداً بنام صرّنی کشمیری معروف شد - این کودک را نیز بنام "جامی
 ثانی، ابوحنیفه ثانی، جما الکملات، حضرت ایشان و شیخ اُمم یادی کند -

صرّنی احوال و زندگی خود در آثار خود بتفصیل شرح داده است - از آثارش معلوم می شود
 که اسم وی یعقوب و پدرش حسن بوده است ۵، بعضی تذکره نویسان اسم پدر صرّنی
 حسن گنّائی و بعضی در نسب نامه صرّنی عاصمی را اضافه می نمایند مانند مصنف "فتحات
 الکبرویة" می نویسد - ۶ "صرّنی پسر میر حسن ابن میر علی بن بایزید العاصمی"

معلوم می شود که خانواده صرّنی به اسم گنّائی و عاصمی معروف بوده است - در
 آغاز مثنوی "مغازی النبی" صرّنی را جمع بی کمالات پدر خود در تالیف شعر اینطور می
 گوید

پدر گزمنش بزد خشنود و روح

بروحش زحق صد هزاران فتوح

حسن نام او همچو اخلاق او

کف و اصقان کوه از طاق او

نکردیده اشغال ملکش هجاب

که گشته ز فیض ازل کامیاب

بمعنی و صورت فضیلت شعار

دلش گنج اسرار پروردگار ۸

حضرت شیخ یعقوب صرّنی " کشمیری علاوه بر اینکه بر جسته ترین عالم و فاضل فقیه

و محدث - عارف و سالک و استاد شاعری بود - سر ایندای خوب و غزلگو از خطه کشمیر هم

بشار می آید - صرّنی تحصیلات ابتدائی خود را پیش پدر خود بپایان رسانید و آنقدر علم را به

کسب کرد که هفت سالگی نه گذرد که قرآن شریف را حفظ کرد چون حضرت شیخ یعقوب

صرّنی " طبیعت موزون داشت و هنوز هشت ساله بوده که به سرودن اشعار فارسی

پرداخت ، در ایام ابتدائی پدرش اصلاح می نمود - اینکه ابیاتی چند را استا بقرار گیرد -

مرا علم و ادب فرموده است

پدر بسکه شفق بمن بوده است

ز تشویش استاد مکتب خلاص ۹

به تعلیم خود بنده را کرد خاص

با اصلاّه بودی مددگار من ۱۰

پدر کردی اصلاح اشعار من

نخستین غزلی که صرّنی طبع موزون روان گشت آن غزل را خواجه حبیب اللّٰه جیبی نوشهری

نقل می کند - اینکه ابیاتی چند از آن را بقرار می گیرد -

در دماغ جان نمی آید بجز بوی توام

گر بوسم عنبر سار او گر مشک ختن

ای که زهر سواست روی جان و دل سوی توام

آرزوی تست در جان و تمنایت بدل

گویدت دیوانه رنجیر گیسوی توام ۱۲

گر چمی سازد دیوانه مردم را ولی

صرّنی " از زمانه طفولگی هم داری یک روح تشنه ، دل مضطرب ، نگاه جوینده و یک ذهنی

اخاز بودند۔ آنها در تلاش علوم و ادب و هنر و حکمت همیشه مثل سیماب بیقرار ماندند
خوش بختانه صرفی را استادان بلند مرتب و فاضل و مجرب مانند مولانا آنی هروری، مولانا
کمال الدین حافظ بصیر و مولانا میر رضی الدین میسر آمدند۔ آنها این گوهر تابدار را با علوم
و آداب و ترتیب و سلوک آراستند۔ استادان مزبور هم تشنگی شاگرد را حس کرده، فیض
الطاف را برایش روان داشتند۔ صرفی خود سراید۔

مراد در تصوف شد اور هر ۱۳

به من صغیرم نه کرده نظر

درستایش مولانا حافظ بصیر صرفی می گوید۔

دقیقات عقلیه اندو ختم

از علم صوفیه آموختم

بدیع و بیان و معنی تمام ۱۴

فن منطق و اصلاح کلام

می گویند استادش تخلص وی صرفی گذاشت اینکه ابیاتی چند از "مغازی النبی" استاد
خود را به تعظیم صرفی یاد می کند۔

بنوعی که گشتم در آن نامدار

فن نغمه بردم از وی بکار

بدیهه همی گفتم بی عدد

معما که فکر ایست نزد خرد

مرا صرفی آن نامور ماندنا ۱۵

برسم تخلص به نظم کلام

دکتر عمر کمال الدین در مجله دانش (۱۰ - ۲۰۰۹) می نویسد "حضرت شیخ یعقوب صرفی
کشمیری" "هنوز جوان نوزده ساله بود که اشاره از غیبی آمدند که از کشمیر سوی سمرقند با چهار
همسفران براه بانبال در خدمت سراپا فیض و برکت حضرت شیخ کمال الدین حسین
خوارزمی حاضر شد ۱۶ و بعد از ریاضت و مجاهده و چله کشی از سلسله کبرویه اجازت و

خلافت و مدت دراز در صحبت ایشان بسر برد که صرفی کشمیری یکی از آن خوش بخت
شاعر متصوف اندک از سفر محمود و به دیدار حرم پاک خانه کعبه مشرف یافته چنانکه خود در شعر
زیر اشاره می کند

شکر خدا را که به محض کرم منزل ماند حرم محترم ۱۸

شیخ صرفی گرچه در زندگی سفرها کرد ولی در زندگیش به واقعه خیلی جالب است که وی در
سفرهای دور دست یکی از برجسته خود را بیان می کند که در مشهد مقدس در آستانه مقدس
رضوی پیش آمده است می گوید که در آستان مقدس زن پارساء بنام فاطمه آفتی بود وی کور
بود در آستان عالیه مقام پشیمان وی منور سرند ۲۰ این واقعه شاگرد صرفی که بنام جی
نوشهری معروف است نقل نموده است نمونه هائی ابیاتی چند بعنوان جهت آورده میشود

آن امام شهر علی رضا رضی الله عنهما ابدا

شد روان شیخ سوی روضه پاک شد ملاقات اوزنی غمناک

فاطمه بوده است نامش نیک داشته آفتی تخلص نیک ۲۱

خواجه جی نوشهری نیز می گوید که صرفی اوقات بیشتر خود را در هند بگردش سر برد، گاهی در

لاهور و گاهی در دهلی یا آگره اقامت می کرد ۲۲ می سراید

بود در هند اکثر اوقات مانها الله عز عن آفات

که به لاهور که به دهلی بود گاه در آگره بقدر خویش نمود

گاه در شهرهای غیر ازین هم نزد دی نمود در هردین ۲۳

حضرت شیخ صرفی در آخر زندگی خود در محله ایشان صاحب در سر پناگر مسکن داشت و در
تمام آنجا زندگی میکرد و ۱۱ ماه ذیقعد سال ۱۰۰۳ هـ دیده از جهان فرو بست و راهی

ملکوت شر و در زینه کدل مقبرش موجود است -

صرفی کشمیری شاعر کشمیر الکلام بودند و یکی از بزرگترین شعرای فارسی سرایان کشمیر بشمار می رود. در آثار وی تفسیر کلام الله (نا تمام) شرح بخاری شریف، حاشیه، توضیح و تلویح رواتح، شرح لواتح، کنز الجواهر، رساله ازکار، پنج گنج و دیگر رسائل اند. حضرت صرفی اولین شاعر کشمیر است که در جواب نهمه نظامی یک نهمه تالیف فرمود. مصنف پارسی سرایان کشمیر در این باره می نویسد صرفی از نظر شعر فارسی در کشمیر مقام نظامی دارد. ولی اینجا ناگفته نگزیم که صرفی فی فقط آثار نظامی گنجوی را نگاه داشته بل کلام جامی و طوطی هند امیر خسرو دهلوی را هم مطالعه دقیق نموده است.

خواجہ عظیم دیدمری در واقعات کشمیری نویسد که این کتاب به پنج مثنویهای بنام ۱- مسلک الاخیار ۲- و امق عذرا ۳- لیلی مجنون ۴- مغازی النبی ۵- مقامات مرشد است. نهمه مولانا صرفی موضوع گوناگون دارد مثل رزمیه، بزمیه، عشقیه، اخلاقیه، و صوفیه که هر یک جداگانه و سنی دارد. این نهمه اگر چه با نهمه نظامی و مولانا جامی زیاد برتری ندارد ولی در بعضی جاها در سلاست و روانی از آن بهتر است از لحاظ سبک کلام ایشان بسیار شریف و ساده و صاف و روان است و از تعقید نهایت صاف و شفاف است در اظهار نزاکت تشبیحات، استعارات و تراکیب و در استعمال محاورات مهارت استادانه نموده است. برای در کردن کلام صرفی این چیز لازم است که مهارت کامل در زبان عربی و فارسی باشد و بردیگر فنون عبور کامل هم باید داشت. زیرا که صرفی نه فقط در عربی و فارسی ید طولی دارد بلکه در کلامش آیات کلام الله و احادیث نبوی و اصطلاحات صوفیانه و ضرب الامثال و جز آن با نهایت بجزستگی و اشکلی

جذب شداند.

با حمد باری تعالی طرز نعت رسول مقبول بسیار شاندار است و بر ایشان با حمد خدا تعالی و نعت رسول آغاز می شود. و حصه ای بزرگ اشعارش در میان موضوعات اخلاقی و دینی است و در بیان سخنها حکمت آمیز و اخلاق شاعر بسیار سعی نمود است و بیدار شدن از غفلت پندها داده است. و اشعار پندآموز دارد طرز لطیف و موثر نوشته است. این سخن قابل ذکر است که اگر در ایران ختمه مولانا نظامی، مولانا جامی و مولانا رومی و دیگران را مرتبه بلند دارند ولی مردم کشمیر در پیش کردن پنج گنج صر فی فخر می نمایند. زیرا که ختمه صر فی در بیان کردن خصوصیات توحید و معارف، عشق و محبت و سوز و گداز و جز آن هیچ پایه کم ندارد. ختمه صر فی برای این مثنویها مشتمل است.

۱. مسلک الاخیار :- درین مثنوی صر فی ذکر تصوف کرده است و اقوال اولیا و مشائخ را به رشته تحریر آورده است. صر فی مسلکهای گوناگون مردم را درین مثنوی مورد بحث قرار داده است. در ضمن نکته های باریک و معانی عرفانی تصوف را شرح داده است چنانچه مایه بنیم در این مثنوی صر فی توحید و وحدانیت، مناجات، نعت رسول مقبول، منقبت امیر کبیر، منقبت پیر خود خواجه حسین پاکیزگی قلب و جلسه هائی با پیر طریقت خود را شرح داده است.

۲. و امق و عذرا :- این داستان است عشق و متعلق به سرزمین بمب، صر فی در این مثنوی عشق مجازی را پایه اول برای عشق الهی قرار داده است. این مثنوی با مناجات پروردگار، منقبت سید علی همدانی و پیر خود حسین خوارزمی فصاحت عشق آغاز میشود و پسر خود را پند می دهد.

۳- لیلی مجنون :- این هم مثنویست که در تقلید نظامی گنجوی نوشته است -
 صرفی برای نوشتن این مثنوی خود توضیح می دهد که شخصی بصورت حضرت خضر علیه سلام در
 رویا ویرا برای سرودن این داستان عشقی و اداره نموده است - بعد از مناجات پروردگار،
 نعت رسول نامدار، شرح معراج النبی، منقبت خلفای اربعه، منقبت حضرت فاطمه زهره
 ، منقبت امام حسن و امام حسین، منقبت امیر کبیر و پیر خود حسین خوارزمی و پند به پیر خود این
 داستان آغاز می شود -

۴- مغاز النبوی :- این مثنویست مبنی بر جنگهای حضرت محمد که برای
 نشر و اشاعت دین اسلام با دشمنان دینی انجام داده است - در این مثنوی صرفی احوال
 خود را به تفصیل آورده است -

۵- مقامات مرشد :- در مقامات مرشد صرفی احوال و کشف و کرامات استاد
 وی شیخ خواجه حسین خوارزمی را شرح داده است - و آن جلسه که با پیر خود کرده است هم به
 تفصیل ذکر نموده است و هم پیر خود را بنام رهنمای راه سلوک پیر طریقت معرفی می کند -
 وقتی مادر مطالعه این پنج مثنویها می شنویم می بینیم که او بادل و چشم صفا مظاهر قدرت رانی
 بیند و عشق حقیقی در او جلوه گرمی شود - اینکه ابیاتی چند بعنوان راستا بقرار گیرد -

ما طواف کعبه دل می کنیم حج ما را حاجت احرام نیست

حج کس غیر تو نبود در جهان گر چه بیرون از جهان دیدم ترا

برای عاشق زاری که در کوی بتا افتد بلای گر نباشد بر زمین از آسمان افتد

گر چه صرفی کشمیری شاعر ایران نبود ولی انقدر بر زبان فارسی قدرت بود که گمانم مثل
 تولدی ایرانی بود و زبانش پُر از شکوفه تصوف و عرفان پُر بار بود - این شاعر ما که مایه

موضوع تصوف و عرفان است ما انکار داریم که مادر کشمیر این در فشان ستاره و با گوئی
آورد. حق این است که من نمی توانم که شرح دشواری صریح بیان کنم. پس هر چه تقریر
اند از باب مشت نمونه اندک بیاگر بسیار است و گرنه از مباحث تعارف این صوفی
بزرگ دوی کامل، استاد شعر و سخن و بلند مرتبه عالم و فاضل کتابی مستقل لازم دارد چه خوش
گفته مولانا رومی.

گر گویم شرح آن بی حد شود دشواری حشما دین کا نغذ شود

ماخذ مورد استفاده

۱- مغازاتجی از الفیاض صریح انکسایشن شماره ۱۳۰ ص ۲
 ۲- پیام مشرق از اقبال لاهوری اقبال لاهوری کشمیر و هندوئی
 ۳- روحان صریح شیرازی مولانا اردی کتاب خانہ شعبہ قاری
 ۴- روحان فنی کشمیری مولانا اردی کتاب خانہ شعبہ قاری
 ۵- وی از امر اوقات ہمارا رفت۔

۶- لغات الکبرایہ از عبد الوہاب نوری ص ۲۱۹
 ۷- مقامات مرشد از صریح کشمیری اسد ظلی انکسایشن نمبر ۱۳ علامہ اقبال لاهوری کشمیر و هندوئی
 ۸- مولانا صریح منظوم مغازی اتجی ص ۵

۹- ایضاً ص ۵

۱۰- ایضاً ص ۵

۱۱- حبیب اللہ نوشہری یکی از صوفی بلند مرتبہ، گران پایہ سخن شناس و صاحب کمال بود۔

۱۲- مولانا صریح منظوم مغازی اتجی ص ۵

۱۳- ایضاً ص ۱۰

۱۴- ایضاً ص ۵

۱۵- ایضاً ص ۱۰

۱۶- در سمرقند حضرت شیخ حسین خوارزمی رجب ایشان شد چند روز در خدمت مش بسر بردہ از وی مقاصد

خویش حاصل نمود۔ علاوہ ازین در سمرقند او بسیار بزرگان دین و عارفان سلوک نیز ملاقی شد

و با عارفان مشہد، طوس، و خراسان و جز آن نیز ملاقات کرد۔

۱۷- وی ہم چنین از صحبت عالمان و قاضیان تہریز فیضاب شدند۔

۱۸- در مکہ معظمہ شیخ ابن الجبرکی وی را درس احادیث آموخت۔

- ۱۹- مغازی النبی مخطوط ص ۱۳، منتخب التواریخ از بدایونی ص ۳-۱۰
- ۲۰- شیخ صر فی سفر وسط ایشیا، افغانستان، ایران، عراق، روم، و هند کردند
- ۲۱- حبیبی نوشهری، مقامات ایشان ص ۱۴۲
- ۲۲- در هند بعد از میر و گردش مقامات گجرات، بلوچستان، ملتان، لاهور، انبالہ، پانی پت، دہلی و احمد آباد از فیوضیات عالمان، فاضلان و عارفان فیضیاب شدند۔
- ۲۳- ایضاً مقامات ایشان ص ۷۹

کتابیات

- ۱- واقعات کشمیر از خوبہ عظیم دیدمری
- ۲- فارسی سرایان کشمیر از گرداری لال بکو
- ۳- تاریخ حسن از پیر حسن شاہ کھوسیمای
- ۴- منتخب التواریخ از بدایونی
- ۵- پیام مشرق از اقبال لاهوری
- ۶- مشائخ کشمیر از دکتر پرفیسور سیدہ رقعہ صاحبہ
- ۷- اسلامی انسانکلو پیڈیا از سید قاسم محمود
- ۸- تاریخ اقوام کشمیر از منشی محمد قاسم فوق
- ۹- بزم تیموریہ جلد دوم
- ۱۰- دانش مجلہ شعبہ فارسی سال اشاعت ۲۰۱۱-۲۰۱۰-۲۰۰۹-۲۰۰۸-۲۰۰۷
- ۱۱- غنی کشمیری احوال و آثار و سبک و اشعار او دکتر ریاض احمد
- ۱۲- حبیبی نوشهری مقامات ایشان۔

